

بعضی نسخ خطی نادر دربارهٔ ادبیات عرفانی فارسی در انستیتوی مولانا آزاد تونک

♦ صاحبزاده شوکت علی خان

ترجمه: شریف حسین قاسمی*

تصوّف اسلامی از قرآن حکیم سرچشمه گرفته است و این طریقهٔ زندگی است که در آن احسان اساس کار است. همان احسان که اصحاب صُفّه منتسب به آن بودند. این ایده‌آلی است، نوع اندیشه‌ایست و فرهنگی است که در آن قول و فعل همانند یکدیگرند و یک نفر صوفی معتقد به برابری انسان‌ها، فتوّت و عنایت به عظمت انسان است. عرفای ما خدمت خلق را هم اساس کار خود قرار دادند. بعضی از اینها می‌گفتند که تصوّف همین خدمت خلق است. اینها بین مردمان براساس مذهب و ملّت، زبان، رنگ و فرهنگ قایل به تبعیض نبودند. در میان عموم مردم زندگی به‌سرمی‌بردند و به‌آن‌ها راه دوستی و سلامتی و خداشناسی را نشان می‌دادند.

ایالت راجستان در هند در تاریخ عرفان اسلامی اهمیّت فراوانی دارد. بنیان‌گذار سلسلهٔ چشتی در هند خواجه معین‌الدین سجزی اجمیری در اجمیر یکی از شهرهای معروف و تاریخی راجستان، سکونت گرفتند و خانقاه خود را احداث نمودند. وقتی که ایشان به اجمیر رسیدند، کسی نبود که جایگاه و منزلت ایشان در عرفان را بشناسد. در خانقاه خود نشستند و اوّل اهل اجمیر را و بعد اهل هند را به تعلیمات انسان‌دوستی خود جلب نمودند و به‌زودی به‌لقب «خواجه غریب‌نواز» به شهرت و محبوبیّت نایل

♦ رئیس سابق مؤسسهٔ تحقیقات عربی و فارسی مولانا آزاد راجستان، تونک. اصل مقاله به‌انگلیسی است.

* شریف حسین قاسمی، استاد بازنشستهٔ فارسی دانشگاه دهلی، دهلی

آمدند. مرید و خلیفه ایشان صوفی حمیدالدین ناگور شهر دیگر راجستان را برای اقامت خود برگزیدند و شمع رشد و هدایت را در همان جا فروزان نگه داشتند. خانقاه‌ها، مساجد و مقابر عرفای معروف در نزدیکی ناحیه شیخاوتی نشان می‌دهد که تعداد زیادی عرفا در اوقات و زمان‌های مختلف در راجستان سکونت گرفتند و آثار زیاد

عرفانی را به جای گذاشتند. مکاتیب، آثار گوناگون درباره تصوف علمی و نظری، ملفوظات که این عرفا به یادگار گذاشته‌اند، تاکنون به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های مختلف هند و خارج هند نگهداری می‌شوند و ترجمان این حقیقت‌اند که این عرفای ما نه تنها در حیات خود از مردمان در راه خداشناسی

نسخه خطی سرورالصدور
شاید قدیمی‌ترین کتاب
ملفوظ است که در
راجستان حفظ می‌شود.

راهنمایی کردند، بلکه حتی امروز هم از طریق آثار خودشان دست ما را می‌گیرند و می‌خواهند که به منزل مقصود برسانند. اگر کسی جویای این‌گونه ادبیات است باید از کتابخانه خدابخش در پتنا، کتابخانه رضا در رامپور، موزه ملی هند در دهلی نو، کتابخانه انجمن آسیایی در کلکته، انستیتوت تحقیقات عربی و فارسی مولانا آزاد در شهر تاریخی تونک در راجستان و کتابخانه‌های دیگر شخصی دیدن کند و پی برد که صدها نسخه خطی در این ذخایر وجود دارد که یادآور تلاش‌های علمی و عرفانی عرفای ما در هند است.

بنده تنها چند نسخه خطی آثار عرفانی را در اینجا معرفی می‌کنم که در انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی راجستان در تونک مضبوط‌اند. باید عرض شود که این انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی کتابخانه‌ای بزرگ و مجلل دارد که در آن هزارها نسخ خطی و چاپی عربی، فارسی، ترکی، هندی و سانسکریت نگهداری می‌شوند و بنیان‌گذار آن نوابان تونک بودند که مربی و سرپرست بزرگ زبان و ادبیات فارسی بوده‌اند. آثاری که در این کتابخانه وجود دارد نشان می‌دهد که در زمان گذشته راجستان مرکز بزرگ زبان و ادب فارسی بوده است و نوابان تونک در پیشرفت زبان و ادب فارسی سهم به‌سزایی گذاشته‌اند. بعضی از نسخ خطی درباره موضوعات مختلف عرفان و تصوف که در این کتابخانه محفوظ‌اند، به‌قرار زیرند:

نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص

اثر معروف نورالدین احمد جامی است دربارهٔ امور اساسی عرفان که در جهان عرفان اهمیت و شهرت زیادی دارد. جامی نامی‌ترین شاعر و نویسندهٔ دانشمند و عارف قرن نهم هجری است که برخی از پژوهندگان او را بزرگترین استاد سخن بعد از حافظ و خاتم شاعران بزرگ پارسی‌گو نامیده‌اند. جامی این اثر خود را در سال ۸۶۳ هـ/ ۱۴۵۹ م به‌پایان رسانده است و نقدالنصوص نقدی است بر کتاب الفصوص شیخ صدرالدین قونوی شاگرد محی‌الدین ابن عربی. درست است که نسخ خطی این کتاب در کتابخانه‌های مختلف محفوظ‌اند ولی نسخهٔ خطی که در کتابخانهٔ انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی مولانا آزاد راجستان نگهداری می‌شود، دارای این خصوصیات است. این نسخهٔ خطی قدیمی است درحالی‌که مورخ نیست ولی با استمداد از یادداشت‌هایی روی حاشیه، سبک خوشنویسی و غیره می‌توان چنین حدس زد که این نسخهٔ خطی در خود زندگی جامی نویسندهٔ کتاب استنساخ شده و درویش محمد خوافی که دوست جامی بود، آن را کتابت کرده است، جامی در سال ۸۹۸ هـ/ ۱۴۹۲ م رحلت کرد، پس امکان دارد که این نسخه قبل از وفات جامی کتابت شده باشد. برای تعیین این تاریخ استنساخ ما از یادداشت‌هایی از داراشکوه فرزند شاهجهان پادشاه تیموری راهنمایی می‌گیریم. او روی اولین صفحهٔ این نسخه بعضی یادداشت‌هایی در کتاب را به‌خط خود جامی ذکر نموده است. با وجود این، نسخه وضعش خیلی خوب است و گمان می‌رود که اخیراً کتابت شده است.

شرح حدیقه حکیم

این نسخهٔ خطی شرح حدیقه‌الحقیقه ابوالمجدود بن آدم غزنوی متخلص به «سنایی» است که در سال ۴۷۳/ ۱۰۸۰ م به دنیا آمد و در سال ۵۴۵ هـ/ ۱۱۵۰ م فوت کرد. حدیقه‌الحقیقه که دارای ۱۰ هزار بیت است، در سال ۵۲۵ هـ/ ۱۱۳۱ م به‌اتمام رسید و یکی از آثار مهم منظوم تصوف ایرانی به‌شمار می‌رود. نگارندهٔ این شرح عبداللطیف بن عبدالله سنایی (م: ۱۰۴۸ هـ/ ۱۶۳۸ م) است که این اثر را در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۰۴۴ هـ/ ۱۱ نوامبر ۱۶۳۴ م به‌پایان رساند. به‌قول آته که فهرست‌نگار معروف است، نویسنده این

تلخیص اثر مفصل‌تر خود را در سال ۱۰۴۰ هجری آغاز و آن را در سال ۱۰۴۲ هجری به تکمیل رساند. دوست این شارح به نام میر امام‌الدین محمد همدانی متخلص به «الهی» نگارنده تذکره معروف شعرا به نام خزینه گنج الهی در تألیف این شرح به‌وی کمک کرد. خود نویسنده شرح این نسخه خطی را کتابت کرده و هم مقابله و تحشیه نموده است. این شرح در سی و هفتمین سال جلوس اورنگ‌زیب در کتابخانه آصف‌جاهی به سرپرستی و نظارت شاهزاده محمد اعظم استنساخ شده است. سرلوح طلایی دارد و حاشیه هم طلایی و بسیار زیباست.

جوامع الکلم

ملفوظات ارزشمند عارف نامدار سلسله چشتی در هند سید محمد حسینی معروف به گیسودراز (م: ۸۲۵ هـ/۱۴۲۱ م) است. محمد اکبر حسینی این ملفوظات را جمع‌آوری نموده بود و او اطلاع می‌دهد که ملفوظات حضرت گیسودراز را هر روز به نگارش می‌آورد و ترتیب آن را

تحفه المجالس در حقیقت مجموعه سخنان احمد کهتو است که در آن علاوه بر موضوعات عرفانی، امور دیگر مثل اوضاع سیاسی، ادبی و علمی گجرات هم بررسی شده است.

در ۱۸ رجب سال ۸۰۲ هجری شروع کرد و آن را در اوّل ربیع‌الثانی ۸۰۳ هجری به پایان برد. او هرچه درباره گزارش مجلس این عارف می‌نوشت، آن را هر روز خدمت مرشد خود تقدیم می‌نمود تا ایشان مطالعه کنند و اگر لازم باشد، تغییراتی در متن بدهند. در نسخه خطی این ملفوظات که در کتابخانه انستیتوی مذکور وجود دارد، غزلیاتی هم نقل شده و در آن‌ها محمد عبدالحق به عنوان تخلص آمده است. عبدالحق محدث دهلوی در تذکره عرفای نامدار خود به نام اخبارالاخیار ضمن ترجمه گیسودراز، جوامع‌الکلم را ذکر کرده است. این نسخه بهترین نمونه خوشنویسی است. سرلوح طلایی دارد. روی اولین برگ، چندتا مهر ثبت است و یادداشت‌هایی از کتابدارهای کتابخانه‌های شاهی اهمیت این نسخه را مضاعف می‌کنند. ريو به یک نسخه جوامع‌الکلم

اشاره می‌کند (ج ۱، ص ۴۸-۳۴۷)، م.ج. صدیقی جوامع‌الکلم را از کانپور در سال ۱۳۵۶ هجری به چاپ رسانده است و سید شاه خسرو حسینی کتابی به نام «احوال و آثار و تعلیمات خواجه بنده‌نواز گیسودراز را در سال ۱۹۸۶ م به چاپ رسانده است.

اشجارالجمال یا اخبارالجمال

نسخه خطی این اثر هم در کتابخانه انستیتو نگهداری می‌شود. این تذکره عرفا است. گزارش احوال و اعمال این‌ها هم در این اثر نقل شده است که به اثبات می‌رساند که عرفای ما همواره تلاش می‌کردند که انسان‌ها باید با مسالمت زندگی کنند. اینها معتقد به این بودند که انسانها باهم برادرند و باید با صلح و آشتی به سر ببرند. این تذکره در دوره سلطنت محمد شاه در سال ۱۱۵۳ ه/ ۱۷۴۰ م تألیف گردید. اسم نویسنده ناشناخته است. نسخه از هر دو طرف ناقص است و با ترجمه شیخ یار محمد بن شیخ عبدالاحد به پایان می‌رسد. درحالی که اسم نویسنده معلوم نیست ولی به نظر می‌آید که اسم او محمد بوده است. در این اثر احوال و آثار و تعلیمات شیخ فریدالدین گنج شکر به تفصیل آمده است و به سیرالاولیا و راحت‌القلوب چند مرتبه اشاره شده است. تاریخ کتابت نسخه هم معلوم نشد ولی امکان دارد که در قرن دوازدهم هجری استنساخ شده باشد. تاکنون نسخه دیگر این اثر در کتابخانه دیگری شناخته نشده و امکان دارد که خود نویسنده این نسخه خطی را کتابت کرده باشد.

سیراب‌الصدر یا سیراب‌الصدور

نسخه خطی این اثر در کتابخانه مذکور هم دارای اهمیت زیادی است. این تذکره عرفا است که نویسنده آن هم شناخته نشده است ولی او این اثر خود را به زودی بعد از سال ۹۶۹ ه/ ۱۵۶۰ م به تکمیل رسانده است. نویسنده اشاره‌هایی درباره زندگی خود می‌کند و از آن به دست می‌آید که او در سال ۹۶۸ ه/ ۱۵۶۰ م به دنیا آمد و فرزند برادر علی قلی خان و شاگرد میر کلان اسعد و عبدالقادر بدایونی بوده است. نویسنده به عنوان سفیر به دکن منصوب شده بود. این نسخه خطی از آغاز و انجام ناقص است. با ترجمه شیخ عمادالدین اسماعیل شروع و با گزارش مختصر زندگی بی بی فاطمه سام به پایان

می‌رسد. این اثر دو جلد داشت در کتابخانه ما جلد دوم وجود دارد و جلد اول آن شاید مفقود شده است.

لوايح و لوايع

قاضی حمیدالدین عارف معروف دوره خود که معاصر و دوست خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی بود، این دو اثر معروف را تألیف نموده است او عالم برجسته علوم دینی است که بیشتر زندگی خود را در دهلی به‌سربرد. درحالی‌که خلیفه شهاب‌الدین سهروردی بغدادی بوده و جبه و بعضی تبرکات دیگر پیغمبر اسلام را همراه خود به‌هند آورد ولی همراه با خواجه قطب‌الدین بختیار کاکی که عارف سلسله چشتی است، به‌سربرد و حتی در محافل سماع هم شرکت می‌کرد. در این دو اثر خود، قاضی حمیدالدین گزارشی درباره عرفان عملی می‌دهد.

سرورالصدور

نسخه خطی سرورالصدور که در کتابخانه انستیتو محفوظ است، مشتمل بر سخنان شیخ حمیدالدین ناگوری و فرزندش شیخ فریدالدین محمود است. شیخ عزیز ابن شیخ فریدالدین جامع این ملفوظات است. اطلاعات گسترده‌ای درباره سلسله چشتی و عرفای این سلسله که در این ملفوظات بیان شده است، در جایی دیگر دیده نمی‌شود. شیخ حمیدالدین ناگوری مرید و خلیفه خواجه معین‌الدین چشتی بنیان‌گذار سلسله چشتی در هند بوده و بنابراین از سخنانش می‌توان اطلاعات گسترده درباره این عارف نامدار به‌دست آورد. پروفیسور خلیق احمد نظامی سرورالصدور را تصحیح کرده‌اند ولی تا هنوز چاپ نشده است.

ملفوظات شیخ احمد مغربی از کتهو (واقع در ناگور)

نسخه خطی سرورالصدور شاید قدیمی‌ترین کتاب ملفوظ است که در راجستان حفظ می‌شود. بعد از آن تحفة‌المجالس و مرقة‌الوصول دو نسخه خطی دیگری هستند که از لحاظ قدمت دارای اهمیت‌اند. این هر دو ملفوظ شیخ احمد مغربی است که در دهلی به‌دنیا آمد. بابا اسحاق مغربی معاصر فیروز شاه تغلق او را در کودکی همراه خود به‌کتهو برد و بزرگ کرد. شیخ احمد بیشتر زندگی خود را در همین کتهو در ناگور

به سربرد. چون امیر تیمور به دهلی حمله کرد، او شیخ احمد را بزور با خود به ترکستان برد. چون از آنجا برگشت در گجرات سکنا گزید و مرکز رشد و هدایت خود را در احمدآباد احداث نمود و همانجا در سرکهیچ دفن شد.

تحفةالمجالس و مرقاةالوصول به اردو ترجمه هم شده است. در مرقاةالوصول زندگینامه شیخ احمد مغربی آمده است و تحفةالمجالس دارای سخنان این عارف گجراتی است. این هردو کتاب برای تاریخ اجتماعی و حتی سیاسی گجرات اهمیت زیادی دارند. مرقاةالوصول چاپ شده است ولی تحفةالمجالس تاکنون چاپ نشده ولی دانشمند گرامی دکتر ضیاءالدین دیسای مرحوم آن را در مقاله‌ای به تفصیل معرفی کرده‌اند و همچنین مقالات دیگری هم چاپ شده که در آن این ملفوظ مورد بررسی قرار گرفته است. نسخه‌های خطی این هردو اثر کمیاب‌اند و بنابراین نسخ خطی آن‌ها در کتابخانه استیتیوی مذکور باید مورد توجه قرار گیرند.

تحفةالمجالس در حقیقت مجموعه سخنان احمد کهتو است که در آن علاوه بر موضوعات عرفانی، امور دیگر مثل اوضاع سیاسی، ادبی و علمی گجرات هم بررسی شده است. خود احمد کهتو در تاریخ تصوف در گجرات و هند دارای جایگاه ارزشمندی است. او در زمان سلطنت سلطان ظفر خان به دهکده سرکهیچ آمد و شهرتش سراسر گجرات را فراگرفت. او روابط نزدیک و دوستانه با سازمان دولتی داشت. چون سلطان احمد شاه به تخت گجرات نشست و احمدآباد پایتخت سیاسی او شد احمد کهتو به اوج شهرت خود رسید. او همراه با پادشاه مذکور شهر احمدآباد را بنیان گذاشت.

در تحفةالمجالس اشاره به بازدید سید جلال مخدوم جهانیان جهان گشت از دهلی شده است. از این ملفوظات به دست می‌آید که احمد کهتو به فارسی و گجری شعر هم می‌سرود و مسلمانان و هندوان به او احترام می‌گذاشتند. شیخ احمد کهتو به سن یکصد و بیست سالگی در احمدآباد فوت و در سرکهیچ دفن شد.

این همه نسخه خطی که ذکر آن‌ها در بالا رفت، دارای اهمیت‌اند. بعضی از اینها از لحاظ قدامت و بعضی بنابر کارهای هنری و تذهیب‌کاری جلب توجه می‌کنند. باید تلاش کنیم که این نسخه‌های خطی بعد از تصحیح و تحشیه به چاپ برسند تا بدانیم که

اسلاف دانشمند ما چه زحمتهایی برای پیشبرد علوم بویژه اسلام و عرفان کشیده‌اند و هنرمندانی مثل نقّاشان و خوشنویسان در کارهایشان چقدر مهارت داشتند و کار خود را با صمیمیت انجام می‌دادند.

ما در انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی مولانا آزاد راجستان، تونک مشغول تصحیح و چاپ بعضی نسخه‌های این انستیتو هستیم ولی چون کار خیلی گسترده است، بنابراین صاحبان ذوق و محققین صاحب نظر دیگر را هم دعوت می‌کنیم که آنها با ما همکاری نمایند.